**باسمه تعالی**

**ما و مواجهه‌ای که می‌توان در امروزمان با حضرت علی«**علیه‌السلام» **داشته باشیم**[[1]](#footnote-1)

با نظر به جهان مولای‌مان علی«علیه‌السلام» می‌توان گفت: اگر جهان ما، همان زبان ما است. بنابراین آیا باز هم می‌توان متوهّمانه، زبان را صرفا ابزاری برای بیانِ نیاز ها دانست؟ به گفته هایدگر: جهان، یکی از ویژگی‌های ساختارهای تشکیل‌دهنده «بودن» و یا اگزیستانسیالِ انسان است، همچنان که زبان هم یکی دیگر از امکاناتِ وجودی «بودن» یا اگزیستانسیال انسان است. بنابراین زبان و جهان، مقومات اصلی انسان می‌باشند. اما جالب آن که زبان از جهان و انسان هم فراتر می‌رود. تا جایی که زبان می‌شود پناه‌گاهِ جان انسان و حتی برتر و بالاتر «خانه‌ی وجودِ» او می‌شود و در پناهِ آن، آدمی سُکنی می‌گزیند.

 در کلمات مولای‌مان علی«علیه‌السلام» ما آن حضور را می‌توانیم احساس کنیم، از آن جهت که آن حضرت در جهانی حاضر شدند که تا قیام قیامت حضور خود را در آن حس می‌کردند و ذیل آن حضرت آیا این شهید مرتضی آوینی نیست که خود را در جهان انقلاب اسلامی با کلماتش حاضر کرده؟ آیا ما با چنین رویکردی با نهج البلاغه و شخص حضرت مولا مواجه هستیم؟ مسئله قرآن که جای خود دارد.

و در راستای نظر به سیره آن حضرت، می‌توان به سخنان جناب مولوی بیندیشیم که در وصف آن حضرت چنین می‌گوید:

ترجمان هرچه ما را در دل‌ است دست‌گیر هر که پایش در گل است

تو ترازوی احد خو بوده‌‌ای بل زبانه‌‌ی هر ترازو بوده‌‌ای‌‌

در شجاعت شیر ربّانیستی در مروت خود که داند کیستی

ای علی که جمله عقل و دیده‌ای شمه‌ای واگو از آن‌چه دیده‌ای

تیغ حلمت جان ما را چاک کرد آب علمت خاک ما را پاک کرد

 باز گو دانم که این اسرار هوست زآن‌که بی شمشیر کشتن کار اوست

چون تو بابی آن مدینه علم را چون شعـاعی آفـتـاب حلم را

باز باش ای باب، بر جویای باب تا رسد از تو قشور اندر لباب

**نیکی به مؤمنین و نظر به انسانیتِ انسان‌ها**

**بسم الله الرّحمن الرّحیم**

رهبر معظم انقلاب می‌فرمایند: امروز وظیفه‌ ما مراقبت دائمی از انقلاب است؛ وظیفه‌مان امروز وحدت ملّی است؛ وحدت ملّی مهم است؛ وظیفه‌مان امروز مشارکت دادن مردم است. و در سخنان خود با مردم قم در 19 دی‌ماه 1402 می‌فرمایند:

«امام بزرگوار به مردم یاد دادند که حضور آن‌ها در صحنه معجزه‌آفرین است... مردم به طور خودجوش آمده و خدای متعالی به این مبارزه برکت داد... مسئله حضور مردم در صحنه که جزو لوازم حتمی اداره کشور و پیشرفت انقلاب و به نتیجه‌رسیدن انقلاب و دست‌یافتن به هدف‌های انقلاب است، باید ترویج بشود. هرکس زبان گویایی دارد، هرکس مخاطبی دارد، هر کسی که می‌تواند اثرگذار باشد، باید در این زمینه کار کند.»

با توجه به هرچه مردمی کردن نظام خوب است به موارد زیر توجه شود.

1- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ«صلی‌الله‌علیه‌وآله»: ‏«إِنَّ اللَّهَ فِي عَوْنِ الْمُؤْمِنِ مَا دَامَ الْمُؤْمِنُ فِي عَوْنِ أَخِيهِ الْمُؤْمِن، ‏وَ مَنْ نَفَّسَ عَنْ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ كُرْبَةً مِنْ كُرَبِ الدُّنْيَا- نَفَّسَ اللَّهُ عَنْهُ سَبْعِينَ كُرْبَةً مِنْ كُرَبِ الْآخِرَة»، خدا در كار كمك دادن به مؤمن است تا مؤمن در كار كمك به برادر مؤمن خود است، و هر كه از برادر مؤمنش در دنيا گرهى گشايد، خدا در آخرت هفتاد گره از او گشايد. به این صورت، جامعه مردمی می‌شود و امورات مردم به راحتی رفع می‌گردد.

2- رسول خدا«صلی‌الله‌علیه‌وآله» فرمودند: «أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ سُرُورٌ يُدْخِلُهُ مُؤْمِنٌ عَلَى مُؤْمِنٍ- يَطْرُدُ عَنْهُ جَوْعَةً أَوْ يَكْشِفُ عَنْهُ كُرْبَة»، دوست‌ترين كارها به درگاه خدا عزّ و جلّ، شادكردن مؤمن است ديگرى را چه گرسنگى را از او دور كند و يا گره گرفتارى او را بگشايد. مهم آن است که نسبت به امور همدیگر بی‌تفاوت نباشیم که آن نوعی خودخواهی است و جامعه از مردمی‌بودن نظام محروم می‌شود.

3- رسول خدا«صلی‌الله‌علیه‌وآله» فرمودند: «نِيَّةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِه»‏؛ نيت مؤمن از عملش بهتر است‏. پس همواره باید متوجه نیّت و انگیزه عمل او باشید و به راحتی ارزش کار او را نادیده نگرفت.

4- رسول خدا«صلی‌الله‌علیه‌وآله» فرمودند: «مَنْ عَارَضَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ فِي حَدِيثِهِ فَكَأَنَّمَا خَدَشَ فِي وَجْهِه»: هركه در ميان گفتگوى برادر مؤمنش افتد، گويا رويش را خراشيده‏. این نوع احترام به شخصیت انسان است و امکان دادن به او تا آنچه را باید اظهار کند، اظهار کند.

5- امیرالمؤمنین«علیه‌السلام» فرمودند: «دَارِ الْمُؤْمِنَ مَا اسْتَطَعْتَ- فَإِنَّ ظَهْرَهُ حِمَى اللَّهِ- وَ نَفْسَهُ كَرِيمَةٌ عَلَى اللَّهِ وَ لَهُ يَكُونُ ثَوَابُ اللَّهِ- وَ ظَالِمُهُ خَصْمُ اللَّهِ فَلَا تَكُنْ خَصْمَه‏». تا توانى با مؤمن سازش كن كه پشتيبان او خداست و خودش نزد خدا ارجمند است، و ثواب از خدا دارد، و ستمكارش خصم خداست، و تو خصم او مباش. در چنین فضایی نظام، مردمی می‌شود.

6- رسول خدا«صلی‌الله‌علیه‌وآله» فرمودند: «لَا تُحَقِّرُوا ضُعَفَاءَ إِخْوَانِكُمْ فَإِنَّهُ مَنِ احْتَقَرَ مُؤْمِناً لَمْ يَجْمَعِ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بَيْنَهُمَا فِي الْجَنَّةِ إِلَّا أَنْ يَتُوب‏». برادران ضعيف خود را حقير نشماريد، و بدانيد هر كس برادر مؤمنى را كوچك بشمارد خداوند بين آنها را در بهشت جمع نمى‏كند مگر اينكه توبه نمايد. این یعنی رعایت ارباب رجوع.

7- رسول خدا«صلی‌الله‌علیه‌وآله» فرمودند: «مُخَاطِباً لِلْمُؤْمِنِينَ- تَزَاوَرُوا وَ تَعَاطَفُوا وَ تَبَاذَلُوا- وَ لَا تَكُونُوا بِمَنْزِلَةِ الْمُنَافِقِ الَّذِي يَصِفُ مَا لَا يَفْعَل».

‏ خطاب به مؤمنان: همدیگر را ديدار كنيد و با هم مهربان باشيد و به هم ببخشيد، و چون منافق نباشيد كه بگويد و عمل نكند. این یعنی نسبت به مشکلاتِ همدیگر حساس باشیم.

8- رسول خدا«صلی‌الله‌علیه‌وآله» فرمودند: «اُطْلُبْ لِأَخِيكَ عُذْراً فَإِنْ لَمْ تَجِدْ لَهُ عُذْراً فَالْتَمِسْ لَهُ عُذْرا»: براى برادر دينىِ خود در اعمال و گفتارش عذرى بطلب، اگر عذرى براى او نيافتى با تلاش هر چه بيشتر آن را براى او جستجو كن. زیرا بالاخره می‌دانید که او در فضای ایمانی خود قصد خیر دارد، هرچند در عمل و گفتار موفق نباشد، و در این راستا اگر بتوانیم کاری به نفع او انجام دهیم، باید انجام داد.

9- امام صادق«علیه‌السلام» فرمودند: «فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ قَالَ فِي آخِرِهِ إِذَا عَلِمَ الرَّجُلُ أَنَّ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ مُحْتَاجٌ- فَلَمْ يُعْطِهِ شَيْئاً حَتَّى سَأَلَهُ ثُمَّ أَعْطَاهُ لَمْ يُؤْجَرْ عَلَيْه». چون كسى بداند كه برادر مؤمنش نيازمند است و به او جهت رفع نیازش چيزى ندهد، تا از او خواهش كند وآنگاه بدهد ثوابى از آن نبرد. زیرا شرط برادری آن بود که نسبت به نیاز همدیگر حساس باشیم تا جامعه‌ای شرافتمندانه به‌وجود آید.

10- حضرت امام صادق«علیه‌السلام» فرمودند: «قَضَاءُ حَاجَةِ الْمُؤْمِنِ أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ حِجَّةٍ مُتَقَبَّلَةٍ بِمَنَاسِكِهَا وَ عِتْقِ أَلْفِ رَقَبَةٍ لِوَجْهِ اللَّهِ وَ حُمْلَانِ أَلْفِ فَرَسٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِسُرُجِهَا وَ لُجُمِهَا». برآوردن نياز مؤمن، برتر از هزار حج پذيرفته‏ و مناسك آن و آزاد كردن هزار برده در راه خداوند و آماده كردن و بخشيدن هزار اسب با زين و لگام در راه خداوند است. زیرا همه آن اعمال به جهت آن است که انسان‌ها در نسبت با دیگر انسان‌ها به حقیقت انسانیت که همان انسان کامل است که او نهایی‌ترین منزلِ انسان است، برسیم.

11- حضرت امام صادق«علیه‌السلام» فرمودند: «قَضَاءُ حَاجَةِ الْمُؤْمِنِ أَفْضَلُ مِنْ طَوَافٍ وَ طَوَافٍ وَ طَوَافٍ حَتَّى عَدَّ عَشْرا» برآوردن نياز مؤمن از طواف و طواف و طوافْ افضل است، و همچنان تا ده بار لفظ طواف را تكرار فرمود. به همان دلیل که ما در مسیر رفع نیاز مؤمنین نوعی یگانگی با جان آن‌ها پیدا می‌کنیم که جهت الهی دارد.

12- حضرت امام صادق«علیه‌السلام» فرمودند: «مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَمْضِي لِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ فِي حَاجَةٍ فَيَنْصَحُهُ فِيهَا- إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَسَنَةً وَ مَحَا عَنْهُ سَيِّئَةً- قُضِيَتِ الْحَاجَةُ أَمْ لَمْ تُقْضَ- فَإِنْ لَمْ يَنْصَحْهُ فِيهَا خَانَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ- وَ كَانَ النَّبِيُّ«صلی‌الله‌علیه‌وآله» خَصْمَهُ يَوْمَ الْقِيَامَة».

مؤمنى نباشد كه در باره حاجت برادر مؤمنش در كار باشد و خير او را در آن بخواهد جز كه خدا بهر گامش حسنه‏اى نويسد و گناهى از او محو كند، چه حاجت او برآيد يا نه و اگر خيرخواه او نباشد بخدا و رسولش خيانت كرده و پيغمبر در روز قيامت خصم او باشد. زیرا به حقیقت ایمان که خداوند است پشت کرده. امری که در نظام‌های اداریِ غیر مردمی پیش آمده.

13- قرآن می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ»(حجرات/ ۱۰)، تا خبر دهد نباید پیوند میان‌ مؤمنین گم شود، که پیوندی قلبی است و موجب رشد روحانیت جامعه می‌گردد و نظام اسلامی شاخصه مردمی‌بودن آن را نهادینه می‌کند.

14- می‌فرماید: « رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ»(حشر/10) پروردگارا! ما و برادران‌مان را که در ایمان بر ما پیشى گرفتند بیامرز و در دلهای‌مان حسد و کینه‏اى نسبت به مؤمنان قرار مده، پروردگارا! تو مهربان و رحیمى. تا این اندازه به اُنس و صفا بین جامعه ایمانیِ خود حساسیت به خرج می‌دهند.

15- به ما تذکر داده‌اند: «اَلْمُؤْمِنُ أَخُو اَلْمُؤْمِنِ عَيْنُهُ وَ دَلِيلُهُ لاَ يَخُونُهُ وَ لاَ يَظْلِمُهُ وَ لاَ يَغُشُّهُ وَ لاَ يَعِدُهُ عِدَةً فَيُخْلِفَهُ»؛ مؤمن برادر مؤمن است و به منزله چشم او و راهنماى اوست، هرگز به او خیانت نمى‏کند و ستم روا نمى‏دارد، با او غِش و تقلّب نمى‏کند، و هر وعده‏اى را به او دهد تخلّف نخواهد کرد.» و نشانه دین دوستى را، دوستدارى برادر دینى دانسته، مى‏فرماید: «مِنْ حُبِّ الرَّجُلِ دِينَهُ، حُبُّهُ أَخَاه»‏؛ از نشانه‏هاى آن‌که انسان دین خود را دوست دارد، این است که برادر دینی خود را دوست بدارد. در چنین فضایی امورات جامعه در بستری سالم طی می‌شود بدون آن‌که نسبت به آینده و نسبت به همدیگر نگران باشند.

16- امام صادق«علیه‌السلام» می‌فرمایند: «مُصَافَحَةُ اَلْمُؤْمِنِ بِأَلْفِ حَسَنَةٍ»؛ دست‌دادن با (برادر) مؤمن هزار حسنه دارد. و در جاى دیگر می‌فرمایند: «تَصَافَحُوا فَإِنَّهَا تَذْهَبُ بِالسَّخِيمَةِ»؛ با هم دیگر مصافحه کنید زیرا مصافحه کینه‏ها را مى‏زداید. این نوعی انس با جان همدیگر است و رفع موانع انس.

17- در جاى دیگر می‌فرمایند: «مَن أتاهُ أخوهُ المسلمُ فأكرَمَهُ فإنّما أكرَمَ اللّه َ عزّ و جلّ»؛ کسى که برادر مسلمانش نزد او آید، و از او احترام نماید پس(در واقع) خدا را گرامى داشته است.

18- بر آوردن حاجت مؤمن پاداش چندین برابر اخروى را در پى دارد چنان که حضرت صادق«علیه‌السلام» فرمودند: «مَنْ قَضَى لِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ حَاجَةً قَضَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِائَةَ أَلْفِ حَاجَة»؛ کسى که حاجت برادر مؤمنش را برآورده کند خداى عزیز هزار حاجت او را در روز قیامت برآورده مى‏سازد. زیرا انسان‌ها با رعایت انسان‌ها وسعت می‌یابند.

19- امیرمؤمنان«علیه‌السلام» فرموده‌اند: «إِيَّاكُمْ وَ الْمِرَاءَ وَ الْخُصُومَةَ فَإِنَّهُمَا يُمْرِضَانِ الْقُلُوبَ عَلَى الْإِخْوَانِ وَ يَنْبُتُ عَلَيْهِمَا النِّفَاق‏»؛ بر شما باد که از مِراء و خصومت با برادران دینى خود دورى کنید زیرا این دو باعث بیمارى قلب نسبت به برادران دینى خواهد شد و عامل ایجاد نفاق در دل‏ها مى‏شود.

20- حضرت صادق«علیه‌السلام» فرمودند: «إِذَا بَلَغَكَ عَنْ أَخِيكَ ماتَکره فاطلب له العذر الى سبعین عذراً فان لم تجدله عذراً فقل لنفسک لعلّ له عذراً لا نَعرفه»؛ زمانى که از برادر مؤمنت به تو چیزى و عملى رسید که بد مى‏دانى، تا هفتاد بار براى آن عذرى بتراش، اگر براى او عذرى نیافتى با خود بگو شاید عذرى داشته و من آگاهى ندارم.

21- امام صادق«علیه‌السلام» می‌فرمایند: «الْمُؤْمِنُ‌ أَخُو الْمُؤْمِنِ‌ كَالْجَسَدِ الْوَاحِدِ إِنِ اشْتَكَى شَيْئاً مِنْهُ وَجَدَ أَلَمَ ذَلِكَ فِي سَائِرِ جَسَدِهِ وَ أَرْوَاحُهُمَا مِنْ رُوحٍ وَاحِدَةٍ وَ إِنَّ رُوحَ الْمُؤْمِنِ لَأَشَدُّ اتِّصَالًا بِرُوحِ اللَّهِ مِنِ اتِّصَالِ شُعَاعِ الشَّمْسِ بِهَا؛ مؤمن، برادر مؤمن است و همانند يك پيكرند كه اگر عضوى از آن به درد آيد، ساير اعضايش نيز آن درد را در خود، احساس مى‌كنند. روح آن دو مؤمن، از يك روح است. پيوند روح مؤمن به روح خداوند، بيشتر از پيوند پرتوِ خورشيد به خورشيد است.

22- پیامبر خدا«صلى‌الله‌علیه‌و‌آله» فرموده‌اند: «إنّ المؤمنَ لَیَسْکُنُ إلَى المؤمنِ کما یَسْکُنُ قلبُ الظَّمآنِ إلَى الماءِ البارِدِ» مؤمن با مؤمن آرام مى‌گیرد، چنان که جگرِ تشنه با آبِ سرد.

23- امام صادق«علیه‌السلام» می‌فرمایند: «المُؤمنُ أخو المؤمنِ، عَینُهُ و دَلیلُهُ، لا یَخونُهُ، و لا یَظْلِمُهُ، و لا یَغُشُّهُ، و لا یَعِدُهُ عِدَهً فیَخْلِفَهُ»؛ مؤمن برادر مؤمن است، چشم او و راهنماى اوست. به او خیانت نمى‌کند، به او ستم نمى‌کند، کلاه سرش نمى‌گذارد، و به او وعده‌اى نمى‌دهد که بدان عمل نکند.

24- بنا به فرمایش امام على«علیه‌السلام»: «أعجَزُ النّاسِ مَن عَجَزَ عنِ اکتسابِ الإخوانِ، و أعجَزُ مِنهُ مَن ضَیّعَ مَن ظَفِرَ بهِ مِنهُم»؛ ناتوان‌ترین مردم کسى است که از به دست آوردن دوستان و برادران ناتوان باشد و ناتوان‌تر از او کسى است که برادران به دست آورده را از دست بدهد.

25- پیامبر خدا«صلى‌الله‌علیه‌و‌آله» فرموده‌اند: «ألاَ و إنّ وُدَّ المؤمنِ مِن أعظَمِ سَبَبِ الإیمانِ». هان! دوست داشتن مؤمن یکى از بزرگ‌ترین اسباب ایمان است.

26- به گفته امام على«علیه‌السلام»: «بالتَّواخی فی اللّه ِ تُثْمِرُ الاُخُوّه» با برادرى در راه خدا، برادرى به بار مى نشیند و «کلُّ مودّهٍ مَبْنیّهٍ على غیرِ ذاتِ اللّه ِ ضَلالٌ ، و الاعتِمادُ علَیها مُحالٌ».

هر دوستى‌اى که مبناى غیر خدایى داشته باشد، گمراهى است و تکیه کردن بر آن نشاید.

والسلام علیکم و رحمۀ الله و برکاته

از معصوم«علیه‌السلام» وارد شده است که: «وَ ادْعُ كُلَّ يَوْمٍ مِنْهُ أَيْضاً بِهَذَا الدُّعَاءِ» در هر روز از ماه رجب، این دعا را نیز بخوانید:

«اللَّهُمَّ يَا ذَا الْمِنَنِ السَّابِغَةِ وَ الْآلَاءِ الْوَازِعَةِ وَ الرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ وَ الْقُدْرَةِ الْجَامِعَةِ وَ النِّعَمِ الْجَسِيمَةِ وَ الْمَوَاهِبِ الْعَظِيمَةِ وَ الْأَيَادِي الْجَمِيلَةِ وَ الْعَطَايَا الْجَزِيلَةِ.

يَا مَنْ لَا يُنْعَتُ بِتَمْثِيلٍ وَ لَا يُمَثَّلُ بِنَظِيرٍ وَ لَا يُغْلَبُ بِظَهِيرٍ، يَا مَنْ خَلَقَ فَرَزَقَ وَ أَلْهَمَ فَأَنْطَقَ وَ ابْتَدَعَ فَشَرَعَ وَ عَلَا فَارْتَفَعَ وَ قَدَّرَ فَأَحْسَنَ وَ صَوَّرَ فَأَتْقَنَ وَ احْتَجَّ فَأَبْلَغَ وَ أَنْعَمَ فَأَسْبَغَ وَ أَعْطَى فَأَجْزَلَ وَ مَنَحَ فَأَفْضَلَ، يَا مَنْ سَمَا فِي الْعِزِّ فَفَاتَ خَوَاطِرَ الْأَبْصَارِ وَ دَنَا فِي اللُّطْفِ فَجَازَ هَوَاجِسَ الْأَفْكَارِ، يَا مَنْ تَوَحَّدَ بِالْمُلْكِ فَلَا نِدَّ لَهُ فِي مَلَكُوتِ سُلْطَانِهِ وَ تَفَرَّدَ بِالْآلَاءِ وَ الْكِبْرِيَاءِ فَلَا ضِدَّ لَهُ فِي جَبَرُوتِ شَأْنِهِ، يَا مَنْ حَارَتْ فِي كِبْرِيَاءِ هَيْبَتِهِ دَقَائِقُ لَطَائِفِ الْأَوْهَامِ وَ انْحَسَرَتْ دُونَ إِدْرَاكِ عَظَمَتِهِ خَطَائِفُ أَبْصَارِ الْأَنَامِ، يَا مَنْ عَنَتِ الْوُجُوهُ لِهَيْبَتِهِ وَ خَضَعَتِ الرِّقَابُ لِعَظَمَتِهِ وَ وَجِلَتِ الْقُلُوبُ مِنْ خِيفَتِهِ.

أَسْأَلُكَ بِهَذِهِ الْمِدْحَةِ الَّتِي لَا تَنْبَغِي إِلَّا لَكَ وَ بِمَا وَأَيْتَ بِهِ عَلَى نَفْسِكَ لِدَاعِيكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ بِمَا ضَمِنْتَ الْإِجَابَةَ فِيهِ عَلَى نَفْسِكَ لِلدَّاعِينَ.

يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ وَ أَبْصَرَ النَّاظِرِينَ‏ وَ أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ، يَا ذَا الْقُوَّةِ الْمَتِينَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ.

وَ اقْسِمْ لِي فِي شَهْرِنَا هَذَا خَيْرَ مَا قَسَمْتَ، وَ اخْتِمْ لِي فِي قَضَائِكَ خَيْرَ مَا حَتَمْتَ، وَ اخْتِمْ لِي بِالسَّعَادَةِ فِيمَنْ خَتَمْتَ، وَ أَحْيِنِي مَا أَحْيَيْتَنِي مَوْفُوراً وَ أَمِتْنِي مَسْرُوراً وَ مَغْفُوراً، وَ تَوَلَّ أَنْتَ نَجَاتِي مِنْ مُسَاءَلَةِ الْبَرْزَخِ، وَ ادْرَأْ عَنِّي مُنْكَراً وَ نَكِيراً، وَ أَرِ عَيْنِي مُبَشِّراً وَ بَشِيراً، وَ اجْعَلْ لِي إِلَى رِضْوَانِكَ وَ جِنَانِكَ مَصِيراً وَ عَيْشاً قَرِيراً وَ مُلْكاً كَبِيراً

وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ كَثِيرا»

1. - با درک جایگاه «زبان» در نهج البلاغه متوجه حضور تاریخی مولایمان علی«علیه‌السلام» در طول تاریخ حضور اسلام خواهیم شد. [↑](#footnote-ref-1)